

شرق

روزنامه

آتش‌سوزی ناشی از شکستگی لوله نفت در اردل شهر کرد. عکس: مریم آل‌ومون، ایرنا



آتش‌سوزی ناشی از شکستگی لوله نفت در اردل شهر کرد. عکس: مریم آل‌ومون، ایرنا

www.sharghdaily.ir

سه‌شنبه ۲۵ آذر ۱۳۹۶ • ۲۹ ربیع‌الثانی ۱۴۴۲ • ۱۵ دسامبر ۲۰۲۰

سال هجدهم • شماره ۳۸۹۰ • ۱۲ صفحه

اذان ظهر تهران ۱۲:۰۰ • اذان مغرب ۱۷:۱۳

اذان صبح فردا ۵:۳۷ • طلوع آفتاب ۷:۰۸

fardashargh@gmail.com

روزنامه‌فرو

نور نوشت

زیر پوست شهر

گاهی عذرخواهی کنید



نبی‌اله عشقی‌ثانی

هر انسانی از هر گروه اجتماعی که باشد، در شرایط خاص در مواقعی ممکن است ناخواسته دچار هیجان شود و رفتاری کند، حرفی بزند یا مطلبی بنویسد، بعد متوجه شود که رفتار، نوع سخن‌گفتن یا نوشته‌اش به شکل صحیح یا در زمان مناسب انجام نشده است، در نتیجه شخصی را رنجانیده است یا پی می‌برد که از اساس تشخیص اولیه‌اش اشتباه بوده و عملی نادرست انجام داده است. در چنین شرایطی برخی به‌سادگی از کنار آنچه واقع شده است می‌گذرند و عکس‌العملی نشان نمی‌دهند و به فراموشی می‌سپارند، در نتیجه روابطشان تحت تأثیر این بی‌عملی قرار می‌گیرد و به سردی می‌گراید.

بیشتر مردم وقتی متوجه خطا، اشتباه تشخیص یا عمل نامناسب خود می‌شوند، به نحوی از طرف مقابل که رنجیده است، عذرخواهی می‌کنند که معمولاً موضوع به خیر و خوشی تمام می‌شود.

زمانی که ناخواسته رفتار نامناسب نسبت به فردی در حضور جمعی واقع شود ناراحتی و رنجش طرف مقابل معمولاً بیشتر و عمیق‌تر است، در این صورت عذرخواهی و درخواست بخشش ضروری‌تر است و باید متناسب با خطا باشد تا پذیرفته شود.

هرگاه فردی در حضور جمعی رفتاری انجام دهد یا سخنی بگوید یا مطلبی بنویسد که همه را برنجاند و دلخور شوند، عذرخواهی هم باید خطاب به همه آن جمع صورت گیرد و شخص خطاکار علت رفتار خود را توضیح دهد، به‌صورتی‌که همه مرتبطان با موضوع قانع شوند که آن فعل از روی سهو و ناخواسته واقع شده و عمدی نبوده است تا صمیمانه او را ببخشند و رفع سوءتفاهم شود.

عذرخواهی نه‌تنها موجب کسر شأن و احترام نیست، بلکه نشانه‌ای از شخص و فرهنگ شخص عذرخواهی‌کننده است. فرهنگ عذرخواهی را باید از خردسالی و دوران کودکی به فرزندان آموخت؛ بهترین روش این است که وقتی کودک کسی را -مثلاً دوست یا دوستانش را- می‌رنجاند، وادار شود از آنها معذرت‌خواهی کند و بگوید اشتباه کردم، مرا ببخشید. از کودک رنجیده هم باید خواسته شود که بگوید تو را بخشیدم. تکرار همین رفتار و فعل ساده تدریجاً فرهنگ عذرخواهی را شکل می‌دهد، حتی پدر و مادر هم وقتی فعل اشتباهی انجام می‌دهند که باعث رنجش فرزندان می‌شود باید از فرزندان عذرخواهی کنند. توجه داشته باشیم که با معذرت‌خواهی غرور و تکبر انسان‌ها کنترل و رفتار معتدل می‌شود.

همه انسان‌ها در هر سطح تشخص و فرهنگ که باشند، ناخواسته و ناگهانه و بدون قصد قبلی ممکن است حرفی بزنند، رفتاری کنند یا فعلی انجام دهند که از آنها انتظار نمی‌رود و معمولاً این افراد از اینکه باعث ناراحتی و رنجش طرف مقابلشان شده‌اند ناراحت هستند و با عذرخواهی‌کردن و بخشیده‌شدن است که آرامش پیدا می‌کنند و به تعادل می‌رسند.

در زندگی روزمره زن و شوهرها نیز بسیار اتفاق می‌افتد که یکی از زوجین با سخن یا رفتارش بدون قصد قبلی باعث رنجاندن همسرش می‌شود که با یک عذرخواهی ساده و صمیمانه معمولاً مشکل برطرف می‌شود؛ درحالی‌که عذرخواهی نکردن می‌تواند یک دلخوری عمیق ایجاد کند.

در ادارات، شرکت‌ها و دنیای کسب‌وکار نیز این احتمال وجود دارد که مدیری با سخن یا عملش کارمندی را بیازارد و از یک‌دیگر ناراحت شوند؛ درحالی‌که با یک عذرخواهی ساده روابط بین آنها ترمیم می‌شود و حتی ارتقا می‌یابد.

در دنیای سیاست نیز اگر سیاست‌مدار یا مسئول برجسته‌ای به‌خاطر تصمیم اشتباهی که گرفته، چالشی برای جامعه ایجاد کند یا یک عذرخواهی و اعتراف به اشتباه می‌تواند اوضاع را کنترل کند و بر محبوبیتش بیفزاید. ریشه تمام مواردی که ذکر شد ناتوانی کنترل هیجانات، احساسات و تصمیم‌گیری‌های فکرنشده و لحظه‌ای است و انسان خردمند در هر موقعیتی که قرار می‌گیرد قبل از نشان‌دادن عکس‌العمل باید خود را آرام کند، قدری بیندیشد و بعد تصمیم مناسب بگیرد و این شدنی نیست مگر با تمرین‌کردن و دچار هیجانات لحظه‌ای نشدن.

باییم به یک‌دیگر کمک کنیم، آموزش دهیم و تشویق کنیم تا یاد بگیریم از اشتباهاتمان عذرخواهی کنیم، با تکرار این عمل و تکثیر آن، عذرخواهی تبدیل به فرهنگ می‌شود. شما هم اگر ناخواسته مرتکب خطایی شدید عذرخواهی کنید تا بزرگ شوید، محبوب شوید و محبوب بمانید.

آیا پس از جنبش MeToo آزار جنسی در محیط کار کاهش یافته است؟ این

سوالی است که چند هفته پیش چند پژوهشگر از جمله استفانی جانسون کسینا کیلینگر سعی کرد به آن جواب دهد. طبق ترجمه‌ای که از آن در سایت‌ها و شبکه‌های اجتماعی ایران منتشر شده است، می‌توان برخی نتایج را استخراج کرد. در این گزارش که میدان نیز آن را منتشر کرده است، نگاهی به داده‌ها می‌تواند کمک‌کننده باشد. «در سال ۲۰۱۶ قبل از گسترش جنبش #می‌تو، ۲۵ زن شاغل در آمریکا را مورد نظر سنجی قرار دادیم و از آنها درباره فراگیری آزار جنسی در محیط کارشان و اینکه چگونه این مسئله بر کار آنها تأثیر می‌گذارد، پرسش کردیم. همین‌طور با ۳۱ زن در آمریکا درباره تجرب فردی در این زمینه مصاحبه کردیم. ما در ماه سپتامبر ۲۰۱۸، بعد از فراگیری #می‌تو نظرسنجی دیگری نیز به ۲۶۳ زن دادیم و همچنین با برخی از زنانی که قبلاً مورد مصاحبه قرار داده بودیم، دوباره ارتباط برقرار کردیم تا ببینیم آیا تغییراتی را مشاهده کرده یا تحولاتی در دیدگاهشان ایجاد شده است یا نه. این نظرسنجی با هدف ارائه مدارک کمی در زمینه تغییرات بعد از آن صورت گرفت تا به درک ما نسبت به چرایی و چگونگی این تغییرات کمک کند. در این پژوهش آزار جنسی از سه جنبه بررسی شده: آزار مبتنی بر جنسیت، توجه جنسی ناخواسته و اجبار جنسی. زنانی که با آنها مصاحبه کردیم گفتند که جنبش می‌تو کمک کرده تا بفهمند آنها در این تجربه تنها نیستند. بیشتر تلاش‌ها در زمینه برابری جنسیتی و کاهش آزار جنسی در محیط کار بر افراد عموماً مدیر یا شغل تمام‌وقت متمرکز است. ما درآدم ثابت متمرکز شده است؛ اما شواهد حاکی از آن است که کارگران موقت کم‌درآمد، نیمه‌وقت و غیردائم در معرض بیشترین تهدیدها و آسیب‌ها قرار دارند. این افراد قدرت کمتری دارند، چراکه تحت حمایت قوانین کمیسیون فرصت‌های شغلی برابر نیستند. ایجاد محیط کاری امن‌تر به معنای درنظرگرفتن تمامی افراد است. تصویب قوانین مؤثر برای حمایت از کارمندان و کارگران موقت و غیررسمی اولین قدم است، اما تا آن زمان کارگران موقت و سازمان‌ها می‌توانند با درنظرگرفتن قیود و عبارات ضد آزار جنسی در قراردادها، امنیت کارکنان را افزایش دهند. همچنین کارکنان موقت می‌توانند از پلتفرم‌های آنلاین استفاده کنند تا اطلاعاتی را درباره سازمان‌ها و شرکت‌های امن یا یکدیگر به اشتراک بگذارند. درحالی‌که نتایج تحقیقات ما نشان دهنده فواید این جنبش در کاهش آزار جنسی در دو سال گذشته است، لازم است اطمینان حاصل کنیم که این تغییرات پایدارند و زنان و مردان از کسانی که تحت آزار قرار گرفته‌اند حمایت می‌کنند و مهم‌تر از هر چیز لازم است اطمینان حاصل کنیم که کارگران آسیب‌پذیر نادیده گرفته نمی‌شوند.

همین حوالی

همراه با کودکان کار در کوهستان

مصطفی لک‌قمی

برف شبانه درختان کاج را سنگین کرده است. راه تا چشم کار می‌کند، سفید شده است. خورشید از دوردست و میان درختان بالا می‌آید. گام‌هایم در برف جا باز می‌کنند و به پیش می‌روند. چند کودک با لباس‌های کهنه در مسیر کوهنوردی به سمت قلعه‌بابک در خاطرم پدیدار می‌شوند. آنهکین می‌خواند: «قلاچی منه کبریت ور» قلعه‌رو، به من کبریت بده. بعد از ۴۴ سال هنوز چهره‌های آفتاب‌سوخته‌شان، طنین شاد خواندنشان و پاکوبیدن منظمشان پیش چشمم است. از آنجا برتاب می‌شوم به انبار کالایی در جنوب تهران، جایی که در تابستانی دور دقت‌دار هستم و اوقات بی‌کاری با کودکانی هشت تا ۱۵ساله باربر که از روستاهای لرستان آمده‌اند، «نون بده کباب ببر» بازی می‌کنم. دست‌های مصیب هشت‌ساله آن‌قدر سنگین است که هر بار دست‌هایم را سرخ می‌کند. بهروز ۱۸ساله هنرمند

نقاش و کارگر افغان، نزدیک آبشار یخی سردش است. شلوارش مناسب این ارتفاع و سرمای زیر صفر نیست، او ساعتی بعد اما بر بلندترین نقطه ایران بوسه می‌زند و چند سال بعد با خیل مهاجران به اروپا می‌رود. من همچنان در جاده‌های برفی راه می‌روم و به کودکان کار پادایمی می‌اندیشم که قلعه‌های بلند زندگی‌شان، ماندن و جنگیدن است و همچنان سفر از رویایی به رویای دیگر، کاش سفیدی برف می‌توانست سیاهی زندگی این کودکان را بزداید.

صاف و ساده

پایان تلخ

از ۹۸۰ هزار بازدید واقعی مخاطبان ایرانی را داشتند، از دایره رسانه‌های درون حاکمیتی خارج بودند و سیاست‌گذاری هر دو بر مبنای منافع خارج از حیطه منافع ملی کشورمان انجام می‌شد. ضربه‌ای که تولید و انتشار محتوای جعلی و غیرحرفه‌ای بر کاهش اعتماد اجتماعی و تبعات ناگوار آن می‌گذارد، قابل قیاس با ضربات دیگر نیست. اکنون مدتی است در فضای مجازی، کارزار بزرگی شکل گرفته و به دور از انصاف و صداقت، محتواهای رنگارنگ و غالباً دروغ و بی‌اعتبار علیه حسن روحانی و همکاران او منتشر می‌کنند و حتی نهیب رهبری در احتراز از هتک حرمت رئیس دولت هم تأثیر مهمی در حرکت توفنده‌شان نگذاشته و همچنان پست‌های جنگ روانی تولید می‌کند. سرزنشت زم باید عبرتی باشد برای آنها که احساس ادای تکلیف در حاشیه امن دارند.

فضای رسانه‌ای فارسی‌زبان در تلگرام، اینستاگرام و واتساپ، مملو از محتواهای فیک است. غالباً تولیدکنندگان محتوای دروغ، با برخورد قانونی مواجه نمی‌شوند. بخشی از آنها خارج از حوزه قضائی کشور هستند و امکان برخورد فراهم نیست. در برابر این محتواها، بهترین کار، راستی‌سنجی و اعلام دروغ‌بودن آن است. انتشار و بازنشر محتوایی که بدون نام تولیدکننده است، باید با مسئولیت قانونی همراه شود. برخی ادعا می‌کنند بخش مهمی از محتواهای تحریک‌آمیزی که فعالان دو جناح سیاسی را به جان هم می‌اندازد، در آلبانی و تل‌آویو تولید و پخش می‌شوند؛ صحت‌وسقم این ادعا را باید نهادهای صالحه اعلام کنند اما وقتی من نوعی به‌راحتی می‌توانم هر محتوای دلخواهی را بدون توجه به اعتبار آن بازنشر دهم و دچار مشکل نشوم، فضای مجازی مملو از چنین محتواهایی می‌شود که شده است. برخی افراد خیال می‌کنند با فیلترکردن و زدن و بستن و مجوزی کردن و اجبار در استفاده از پلتفرم‌های داخلی و اینترنت ملی، این مشکل مرتفع می‌شود. هرکس چنین تصویری دارد، متأسفانه فناوری ارتباطی را درست درک نکرده و مثل تصویب قانون ممنوعیت ماهواره، راه اشتباهی در پیش گرفته است. راه درست، هزینه‌دار کردن تولید و بازنشر محتوای بی‌اعتبار است؛ بدون توجه به اینکه این محتوا به کدام دسته و جناح سیاسی خدمت می‌کند یا می‌تازد.

برخورد قانونی منصفانه اما جدی و بدون تبعیض جناحی، فضای خبری و افکار عمومی را از آن‌ها رها می‌کند. من همین الان ۵۰ محتوای سیاسی بازنشرشده در اینستاگرام را اعتبارسنجی کردم؛ ۳۷ محتوا، بی‌اعتبار، حاوی توهین، هتک حرمت و تحریک‌آمیز است. کافی است با چند مرکز تولید محتوای سیاسی دروغ برخورد شود و خبرش را در رسانه‌ها اعلام کنند، تأثیر آن در کاهش چنین محتواهایی مشخص خواهد شد.

حرف آخر، تأیید بر حفظ و ارتقای جایگاه روزنامه‌نگاران مستقل و حرفه‌ای در ساختار حاکمیت سیاسی و البته بالابردن سواد رسانه‌ای مردم است. اگر رسانه‌های بزرگ، حرفه‌ای اداره شوند، نیاز خبری مخاطب را ارضا می‌کنند و مخاطب کمتر به طرف اخبار فیک گرایش می‌یابد. افول رسانه‌های شائسانه‌دار و مخالف، باعث شیوع محتوای دروغ توسط افرادی می‌شود که با اغراض مختلف، رغبتی به رعایت اصول حرفه‌ای و آرمان‌های روزنامه‌نگاری مثل صحت، دقت، انصاف، اطمینان و نظایر آن ندارند. حواس‌مان باشد که چنین حجم سنگینی از محتوای بی‌اعتبار، حکمرانی و نظم اجتماعی را دچار چالش می‌کند.

روزها

چند نکته درباره پژوهش و تصمیم‌سازی

ابراهیم جعفری

کشور منجر شود. اگرچه «دانش» امروزه از ضروریات حیات، عزت و اقتدار هر جامعه است، اما برای کسب آن نمی‌توان به فضیلت دانستن علم اتکاف کرد. دانش محصول اندیشه و زندگی «دانشمندان» است. به این سبب باید به فرایند تولید آن اندیشید و مقتضیات و موجبات پیدایش و رشد آن را شناخت و فراهم کرد. حرمت‌گذاری به علم، توجه به علم و عالمان در جامعه و نظام اسلامی مسئولیتی بزرگ در همه سطوح تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری است. پس باید زمینه‌های این مهم را فراهم کرد؛ چراکه فراهم‌آوردن زمینه‌های فرهنگی و اجتماعی رشد و شکوفایی علوم است که توسعه علمی را به دنبال می‌آورد و این‌ایده زمانی اجرایی می‌شود که در همه جای جامعه، دانشمندان، محققان و متفکران قدر ببینند و بر صدر نشینند. نمی‌توان مصرف‌کننده محصول علم بود و مسیر دشوار و طولانی تولید آن را ندید و پاس نداشت. دانش حاصل عمر و ابتار دانشمند و دست‌نرمه‌نرم‌کردن در مشکلات و دشواری‌های گوناگون زندگی است. پس باقی است، فرایند پژوهش همواره زنده، پویا و جاویدان است. این حرکت باید همچون خونی حیات‌بخش در رگ‌های پیکره این مرز و بوم جریان یابد تا توسعه پایدار ارمعان آن باشد. فراموش نکنیم که با پژوهش، بهشت حقیقت دست‌یافتنی است و به‌قول اندیشمندی بزرگ، پای معیشت‌مان را تنها می‌توانیم به اندازه گلیلم معرفتمان دراز کنیم.



قادر باستانی پژوهشگر ارتباطات و رسانه

تصمیم دادگاه برای اعدام روح‌الله زم، مدیر آمدنیوز، پرمخاطب‌ترین کانال خبری ایرانی، به اجرا درآمد و باعث واکنش‌های شگفتی در بالاترین سطوح بین‌المللی شد. افکار عمومی در داخل هم واکنش متفاوتی نشان دادند؛ لاید انتظار برخورداری از رأفت اسلامی داشتند. من دوست داشتم مجازات کارساز برای زم، این باشد که توان بالای خود در تولید محتوای اثرگذار را در خدمت کشور و نظام قرار دهد و به این طریق اشتباهاتش را جبران کند. بماند که رسانه‌های بزرگ داخل که با ترک وظایف حرفه‌ای خود نتوانستند به نیاز خبری مخاطبان پاسخ دهند و فضا را برای میدان‌داری آمدنیوزها مهیا کردند، از مجازات مصون مانده‌اند.

اخیرا فیلمی تقریباً قدیمی از اسپیلیبرگ دیدم که ماجرای واقعی یک خلافکار و جاعل بین‌المللی را روایت می‌کرد. او میلیون‌ها دلار جعل و کلاهبرداری کرده بود و پلیس سال‌ها دنبال دستگیری‌اش بود و در نهایت او را در فرانسه دستگیر و تحویل دادگاه داد. آن تبهکار که دی‌کاپریو به زیبایی نقشش را ایفا می‌کرد، به مجازات سنگینی محکوم شد، اما افسی‌آی - پلیس فدرال آمریکا- دادگاه را راضی کرد که از توان او برای شناسایی شبکه‌های جعل و خلاف استفاده کند و دادگاه پذیرفت. این خلافکار جوان، سال‌ها برای پلیس کشورش خدمت کرد و شبکه‌های بزرگی را به دام انداخت. خدا کند، پایان تلخ زم، تلنگر اساسی برای کسانی باشد که با تندروی، به دور از مدار حرفه‌ای، برای نیل به اهداف سیاسی و اجتماعی خود، از ابزار رسانه سوءاستفاده می‌کنند. برای صیانت از اعتماد عمومی، تولیدکنندگان و انتشاردهندگان محتوای دروغ و بی‌اعتبار، باید هزینه بدهند تا سرمایه اجتماعی خدشه‌دار نشود؛ چون سرمایه اجتماعی است که ارزش‌ها و هنجارهای مشترک، اعتماد، صداقت، درک متقابل، همکاری، مشارکت، تعهد، مسئولیت‌پذیری، برادری، همبستگی و احساس هویت جمعی را ایجاد می‌کند و فقدان آن، باعث ازهم‌گسیختگی اجتماعی می‌شود.

اما زم در آمدنیوز چه کرد که دچار چنین عوقبتی شد؟ او با انتشار اخبار جعلی، اعتماد عمومی را خدشه‌دار کرده بود. من پژوهشی درباره اعتبار اخبار تلگرامی انجام دادم و یکی از نمونه‌هایم آمدنیوز بود. تحلیل محتوای کانال‌های خبری تلگرامی نشان داد که آمدنیوز، از نظر اعتبار منبع، ضعیف‌ترین وضعیت را داشت؛ چرا که ۴۴/۹ درصد اخبار آن صحت نداشت، یا محل تردید بود، ۸۱/۵ درصد اخبارش سوگیری داشت، فقط ۷/۷ درصد اخبار دارای بار معنایی مثبت بود، ۵/۷ درصد اخبار آن نقابل دیدگاه داشت و توازن و انصاف در آن رعایت شده بود، ۸۴ درصد اخبار سیاه‌نمایی می‌کرد و فقط ۱۲/۶ درصد پست‌های خبری این کانال به‌صورت حرفه‌ای تنظیم شده بود. همین کانال خبری کم‌اعتبار، بالاترین بازدید و نرخ بازنشر را در میان کانال‌های مورد بررسی دارا بود. در مقابل، کانال بی‌بی‌سی فارسی، با کمترین میزان اخبار جعلی و بیشترین نرخ پست خبری حرفه‌ای، شفافیت و باورپذیری، بالاترین اعتبار منبع را داشت. جالب آنکه هر دو کانال خبری که روی هم به‌طور متوسط بیش

دغدغه‌های طبیبانه

سالگرد کرونا



عبدالرضا ناصر مقدسی متخصص مغز و اعصاب

• یک سال از زمانی که برای اولین‌بار ویروس کرونا در بازاری در ووهان چین دیده شد، گذشت. سالی که یکی از سخت‌ترین سال‌های بشری بود. اکنون که پیام‌های نویدبخشی از تولید واکسن در دست است و خوشبختانه آمارها در ایران از کاهش مرگومیر حکایت دارد، نگاه به راهی که بشر در این یک سال پیمود، خالی از لطف نخواهد بود. یک سال پیش بود که خبر انتشار یک ویروس عجیب و کشنده در ووهان چین اعلام شد. به‌عنوان یک پزشک حقیقتاً موضوع را چندان جدی نگرفتم. با خودم گفتم این هم یک بیماری عفونی مانند سایر بیماری‌هاست که در منطقه‌ای محدود از جهان گسترش پیدا کرده و سریع‌ها کنترل می‌شود. برای هر پزشک، بیماری‌های عفونی بخش مهمی از آموزش او را شامل می‌شوند. در طول تحصیل و کار با انواع بیماری‌های عفونی روبه‌رو شده بودم و هنوز هم خاطره روبرویی با بیماران مبتلا به تب کشنده کریمه کنکو در دوران دانشجویی از خاطرم نرفته است. اینکه چگونه پس از تشخیص آن، روستایی را قرنطینه کردند و همه کسانی را که به‌نوعی با آن بیماران مواجهه داشتند، مورد معاینه و درمان قرار دادند. قبل از کووید۱۹، تب خونریزی‌دهنده کریمه کنکو شگفت‌انگیزترین بیماری عفونی‌ای بود که دیده بودم و خاطرات آن را بارها برای دانشجویانم تعریف کردم. هیچ‌گاه فکر نمی‌کردم با چیزی روبه‌رو شوم که بسیار جدی‌تر از تب کریمه کنکو بوده و ناگهان تمام جهان را درگیر کند. یادم هست که در همان روزها در یکی از آخرین دوره‌های ما با جمعی از فرهیختگان بزرگ این مملکت در مورد این بیماری جدید صحبت می‌کردیم. یادم هست اولین مورد این بیماری در قم نیز اعلام شده بود. همان شب دومین و سومین مورد آن نیز اعلام شد. همه از من می‌پرسیدند موضوع چقدر جدی است؟ و من با خوش‌بینی باورنکردنی می‌گفتم احتمالاً به‌زودی کنترل می‌شود. اما شدت گسترش بیماری تا حدی بود که دیگر آن دوستان را از آن زمان ندیدم و فقط می‌توانستم در این یک سال گذشته صدای آنها را بشنوم. همه چیز تغییر کرده بود. حالا همه کادر درمان در مواجهه با تهدیدی قرار گرفته بودند که روزبه‌روز جدی‌تر می‌شد. این را هم بگویم که با وجود پیشروی و گسترش شدید بیماری نوعی خوش‌بینی نیز در ما وجود داشت، همه فکر می‌کردیم خلاصه در چند ماه آینده تمام می‌شود، اما نشد. گفتم تابستان بیاید مثل تمام بیماری‌های ویروسی از میزان این بیماری نیز در فصل گرما کاسته خواهد شد، اما قبل از آنکه تابستان به شهرهای دیگر بیاید، در اوج گرمای خوزستان شاهد آمار فزاینده‌ای در آن منطقه بودیم. حالا دیگر امید جای خود را به ناامیدی داده بود. ویروس و بیماری ناشی از آن قدر مرموز و پیچیده بود که دیگر نمی‌دانستیم کی قرار است از آن خلاصی یابیم. این روزها هم که اخبار نویدبخشی در مورد کاهش آمار مرگومیر



و نیز واکسن‌های تولیدی به گوش می‌رسد با احتیاط کامل در مورد آن صحبت می‌کنیم، باز تأکید می‌کنیم که به این آمارها دلخوش نباشید، ماسک بزنید، دستان را بشوید و فاصله اجتماعی را رعایت کنید. برای اینکه نمی‌دانیم رفتار بعدی ویروس چیست، نمی‌دانیم تا کی باید به این شرایط ادامه دهیم، با وجود این همه تحقیق و پژوهش هنوز چیزی نمی‌دانیم. از روزهای اول شروع به نوشتن در مورد این بیماری مقاله‌های علمی بود. بارها و بارها در مورد این بیماری سخنرانی کردم؛ اما هنوز هم چیزهای زیادی هست که مرا شگفت‌زده می‌کند. ویروس کرونا انگار بسیار پیچیده‌تر و هوشمندتر از آن چیزی است که فکر می‌کنیم. این روزها اما کمی خوش‌بین شده‌ام. احساس می‌کنم کمک‌م از شر این بیماری خلاص خواهیم شد. در عین حال باید بگویم که ویروس کرونا ما را قدرتمندتر از قبل کرد. ما موضوعاتی را فهمیدیم که تا پیش از این درباره آن فکر نمی‌کردیم. به‌طور ملموس متوجه شدیم که دخالت در طبیعت می‌تواند چه عواقب سنگینی برای ما داشته باشد. مفاهیم کاملاً جدیدی در قاموس دانش ما شکل گرفت، دنیای مجازی شکل جدیدی پیدا کرد. روابط انسانی دچار تحول شد. اقتصاد دنیا به‌شدت تکان خورد و هزاران هزار تأثیر مهم دیگر که فقط گذشت زمان می‌تواند آن را مشخص کند. یک سال از شیوع بیماری کووید۱۹ در بازاری در چین گذشت؛ یک‌سالی که به اندازه یک قرن بود.